

راه کارهای برون رفت از موانع فرهنگی تولید علم در دانشگاهها

✍ سیفالله فضل الهی *

منصوره ملکی توانا **

چکیده

تحقیق حاضر به بررسی راه کارهای برون رفت از موانع فرهنگی تولید علم در دانشگاهها و رتبه بندی آن از دیدگاه اعضای هیئت علمی دانشگاه آزاد اسلامی واحد قم می پردازد. روش تحقیق، توصیفی از نوع پیمایشی است. جامعه آماری دربرگیرنده همه اعضای هیئت علمی دانشگاه آزاد اسلامی واحد قم است که از بین آنها نمونه ای ۶۰ نفری به شیوه تصادفی ساده انتخاب شدند. برای گردآوری اطلاعات از پرسشنامه محقق ساخته حاوی ده مؤلفه از نوع آرایش رتبه ای و دو سؤال باز استفاده شد. تجزیه و تحلیل اطلاعات نشان داد موانع فرهنگی از مهم ترین موانع مؤثر در تولید و توسعه علم در دانشگاهها و مراکز آموزش عالی است و برنامه ریزی جامع برای فرهنگ سازی و ایجاد شیوه های مناسب تولید علم (تبدیل علم پژوهی به فرهنگ عمومی) مناسب ترین راهبرد برای تولید علم است. همچنین تشکیل کرسی های نظریه پردازی و نقد و مناظره علمی و حمایت از اجتهاد علمی، و تغییر رویکردهای مدیریتی در اعمال سیاست مقدم شمردن انسانها بر راهبردها و حفظ و ارتقای استقلال، آزادگی علمی و ثبات شغلی محققان و دانشگاهیان، تغییر الگوهای اداره دانشگاهها از دیوان سالاری سیاسی به مشارکتی و تلفیقی، درونی شدن نیاز به علم و تبدیل و تولید نظریه و فکر به یک ارزش عمومی در دانشگاهها، به ترتیب از اولویت دارترین راه کارهای برون رفت از موانع فرهنگی تولید علم در دانشگاههاست.

کلیدواژه ها: موانع فرهنگی، تولید و توسعه علم، راه کارهای برون رفت، دانشگاهها، اعضای هیئت علمی.

مقدمه

حمایت مادی و معنوی و آموزش مستمر و ارتقاء و روزآمد کردن آن، نقش بسزایی در تحقق اهداف علمی دارد. از سوی دیگر، دانشگاه‌ها مهم‌ترین نهاد تربیت نیروی خلاق و متفکر محسوب می‌شوند و تأثیر گسترده‌ای بر فرهنگ، امور سیاسی، نوآوری و خلاقیت دارند. همچنین بر آفرینش و ترویج دانش در جوامعی که نخبگان علمی و پژوهشی آن اندک‌اند کمک می‌کنند و یقیناً مرز بین جوامع پیشرفته و عقب‌مانده تا حد زیادی به میزان تولیدات علمی آنان در جامعه وابسته است.^(۷)

بدیهی است بی‌اعتنایی به جایگاه والای علم، پویایی و تحرک لازم علمی را از اجزای نظام دانشگاهی، اعم از هیئت علمی و دانشجو سلب می‌کند و هدفمندی این نهاد را که در عرصه نوآوری و شکوفایی نقش اساسی دارد به طور جدی در معرض آسیب قرار می‌دهد.^(۸) نداشتن پویایی ناشی از فقدان جایگاه شایسته نهادهای مولد علم، آنان را به روزمرگی کشانده، چون سمی مهلک حیات و پویایی در عرصه نوآوری را تهدید می‌کند. مسلماً گرایش نظام آموزشی در تداوم و حفظ عناصر و اجزایی که کارایی خود را از دست داده‌اند از موانع سازگاری و پیشرفت محسوب می‌شود.^(۹)

قدرت خلاقیت، نوآوری، شکوفایی و میزان پذیرش یک عنصر جدید در جامعه از عوامل مؤثر در سازگاری فرهنگی است. جوامع برخوردار از این پویایی به موقع عناصر جدیدی را ابداع می‌کنند و آن را به نظام فرهنگی خود می‌افزایند و چون این عناصر درونزا هستند، با نیازهای جامعه نیز منطبق‌اند. واضح است که برخوردار از تفکر و بینش علمی و ضرورت برقراری کنش فرهنگی با دانش، و تغییر هدف نظام آموزشی از «حفظ کردن به دانستن»، کلید حل معما خواهد بود.^(۱۰) در غیر این

فرهنگ، عصاره زندگی اجتماعی است که تمام افکار، اهداف، معیارها، ارزش‌ها، فعالیت‌های انسان و ضوابط فردی و اجتماعی در آن منعکس می‌شود.^(۱) و به منزله خون در رگ‌های جامعه است که شرایط طبیعی را فراهم می‌سازد و آن را از آفات پراکنده شدن مصون نگه می‌دارد و امکان فعالیت را برای تمام قسمت‌ها مهیا می‌کند.^(۲) توسعه به معنی بهبود زندگی برای همگان، نیاز اساسی همه ملت‌هاست. و مهم‌ترین رکن توسعه و سرمایه آن توسعه فرهنگی، و محور پایدار آن انسان‌های سالم و کاربلد است.^(۳) یکی از بارزترین شاخص‌ها توسعه فرهنگ هر کشوری توان و ظرفیت تولید علمی و فنی است و در این بین دانشگاه‌ها و مراکز عالی آموزشی و پژوهشی از اصلی‌ترین مراکز تولید علمی هستند. کارکرد مهم دانشگاه‌ها تولید دانش و انتقال و اشاعه آن در جهت توسعه فرهنگ و راه و روش زندگی عموم مردم جامعه است.^(۴) به عبارت دیگر، بر اساس رویکرد نظام‌مند، وظیفه و کارکرد دانشگاه‌ها؛ تولید دانش، آموزش و تربیت نیروی انسانی کارآمد و ماهر و انتشار و انتقال آن است.^(۵) عوامل فرهنگی نه تنها می‌توانند در توسعه و تولید علم در دانشگاه‌ها مانعی جدی قلمداد شوند، بلکه راه کارهای فرهنگی نقش تعیین‌کننده‌ای در برنامه‌ریزی و استمرار جهش علمی یک جامعه، در سمت و سوی توسعه همه‌جانبه داشته باشند. دانشگاه‌ها با برخورداری از سه ویژگی ثبات شغلی، آزادگی علمی و استقلال از دیگر سازمان‌ها قابل تشخیص‌اند.^(۶) مهم‌ترین تمایز دانشگاه‌ها، برخوردار بودن آنان از نیروی انسانی متخصص و توانمند، یعنی اعضای هیئت علمی است که مدیریت صحیح، انگیزش مناسب و به موقع، رفع مشکلات رفاهی و اقتصادی و ایجاد دغدغه‌های علمی و روحیه تولیدی و

هدف دار، و متوازن بین علم، تکنولوژی، آموزش و فرهنگ در یک جامعه است.^(۱۵) بنابراین، آموزش عالی از فرهنگ جامعه اثر می پذیرد و نیز بر آن اثر می گذارد؛ از جامعه شکل می گیرد و به شکل گرفتن آن کمک می کند؛ به منابع نیازمند است و منابعی را هم به شکل افراد واجد شرایط نیروی کار، شهروند بهتر و کاشف دانش های مفید و ارزشمند در اختیار جامعه قرار می دهد.^(۱۶)

امروزه علم و مراکز سامان بخشی آن یعنی نظام آموزش عالی و دانشگاه، علاوه بر وظیفه تولید علم و گسترش مرزهای دانش، باید به درخواست جامعه پاسخ دهند و از وسوسه پیمودن راه و رسم جاری دوری کنند. در واقع از یک سو باید تعهد اجتماعی گسترده و معنادار متغیر را در قبال فرهنگ و جامعه ای که در آن زندگی می کنند بپذیرند و از سوی دیگر در فرایندهای درونی و نظام یاددهی و یادگیری و برنامه های درسی و آموزشی خود تحول و پویایی لازم را پدید آورند تا بتواند علاوه بر تولید علمی در پذیرش نقش های جامعه پذیری، فرهنگ پذیری و بازتولید و انتقال فرهنگ و ارزش های برآمده از آن با تربیت نیروهای متخصص و دارای مهارت های چندگانه مطابق با نیازهای جامعه و بازار کار در بازسازی نظام اجتماعی و اقتصادی مؤثر واقع شود.

در این زمینه و برای ایجاد فضای پرتحرک اخلاقی و عملی در دانشگاه ها و تقویت روابط اجتماعی میان کنشگران عرصه دانشگاه، به ویژه استادان، باید چه در بررسی ها و نظریه پردازی ها و چه در اقدامات عملی به زدودن عوامل درونی و بیرونی اختلال در روابط انسانی پرداخت، و زمینه های بروز و گسترش ناهنجاری رفتاری، و همچنین اصلاح روندهای جاری برای پرورش همه جانبه استادان را بررسی کرد و در واقع امکان «زندگی فرهنگی» را در دانشگاه ها فراهم ساخت. یعنی تقویت

صورت جامعه فاقد کردار علمی و دستخوش نوعی بی رسالتی و دچار بی سوادی علمی یا نبود فرهنگ علمی خواهد بود.^(۱۱) و اکتفا به حفظ و انتقال تعاریف و مفاهیم به جای تلاش در ایجاد روحیه خلاقیت و نوآوری در تولید مفاهیم یا حداقل مشارکت در آن، عملاً اندیشه در جامعه تعطیل و نظام تقلید و مصرف در فرهنگ، تفکر ترویج و از تبدیل علم پژوهی به فرهنگ عمومی جلوگیری خواهد شد.^(۱۲) کارآمدسازی دانشگاه ها در عرصه تولید دانش، تا حد زیادی در گرو پذیرش اصل ضرورت دگرگونی و اجتناب از دست یابی و توسل به یک اقتصاد سالم و فرهنگ جامع و روش های زندگی علمی است که به نظر می رسد با برنامه ریزی و ظرفیت سازی مناسب و ایجاد راهبردهای بومی شده و منطقی، دسترسی به جایگاه علمی مناسب شأن و جایگاه کشورمان دور نخواهد بود.

تحقیق حاضر درصدد است راه کارهای برون رفت از موانع فرهنگی تولید علم در دانشگاه ها را شناسایی و آن را از دیدگاه اعضای هیئت علمی دانشگاه آزاد اسلامی قم رتبه بندی کند.

بیان مسئله

دانشگاه ها از پرارزش ترین نهادهایی هستند که جامعه برای پیشرفت و توسعه در اختیار دارد. آنها از یک سو حافظ و انتقال دهنده میراث فرهنگی و ارزش های حاکم بر جامعه اند و از سوی دیگر پاسخگوی نیازهای اجتماعی برای توسعه دانش و فناوری.^(۱۳) توسعه در واقع چیزی جز بهبود در برخورداری ها و مناسبات اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و فرهنگی نیست. به عبارت دیگر، هرگونه رشد و شکوفایی و تکامل در عرصه های مختلف حیات بشری، توسعه نامیده می شود.^(۱۴) توسعه علمی، ارتباط مستمر،

چاره‌اندیشی واقع‌بینانه و اصولی به راه‌کارهای برون‌رفت از وضعیت رسید.

در این مطالعه با باور به نقش فرهنگ در تولید علم، راه‌کارهای برون‌رفت از موانع فرهنگی تولید علم در دانشگاه‌ها، شناسایی و براساس دیدگاه اعضای هیئت علمی دانشگاه آزاد اسلامی واحد قم، اولویت‌بندی می‌شود تا در برنامه‌ریزی و رفع مظلومیت فرهنگی و رشد و بالندگی علمی و توسعه همه‌جانبه دانشگاه‌ها و در نتیجه کشور به کار رود.

ادبیات و پیشینه تحقیق

با وجود کاربرد فراوان، اتفاق نظر چندانی بر سر تعریف واژه فرهنگ وجود ندارد. علت این مسئله علاوه بر تنوع و گستردگی و وجود دیدگاه‌ها و برداشت‌های متفاوت پژوهشگران، پیچیدگی و سیالیت آن در زندگی اجتماعی است.^(۱۸) فرهنگ در وسیع‌ترین شکل، به دو شیوه تفسیر می‌شود: یکی از حیث کردارها و آدابی که تشکیل‌دهنده خود واقعیات اجتماعی‌اند، و دیگری به مثابه چیزی که در گذشته، حوزه مجزایی از جامعه بوده و اکنون وارد همه جنبه‌های زندگی اجتماعی شده است.^(۱۹) فرهنگ از دیدگاه جامعه‌شناختی به عنوان یک نظام ارزشی برای جامعه عمل می‌کند. و به منزله نوعی سیمان است که با ارائه معانی مشترک، انسجام جمع را حفظ می‌کند و از طریق تجسم بخشیدن به واقعیت یک گذشته خاص و ارائه نمودی از آن، درونی‌ها را از بیرونی‌ها متمایز می‌سازد. از این حیث، مردم هر جامعه‌ای پیش از آنکه در زندگی روزمره به عقل خود مراجعه نمایند، از فرهنگ جامعه فرمان می‌گیرند.^(۲۰) در واقع فرهنگ همچون جعبه ابزاری است که به ما کمک می‌کند جهان را درک و بر پایه آن، عمل کنیم و به عنوان منبع

روحیه و مهارت کار جمعی، جسارت و خلاقیت، نقد، پرسشگری و امید به آینده، و تقویت مدیریت علم و تکنولوژی و استقلال دانشگاهی؛ توجه به تعهدات بین‌المللی در حوزه علم، پژوهش و فناوری؛ جایگاه‌بخشی به نهادهای مدنی، صنفی و انجمن‌های علمی؛ پاسخگویی به نیازهای جامعه؛ کمک به پیشبرد و سرعت بخشیدن به فرایند توسعه فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی؛ تربیت نیروی انسانی متخصص موردنیاز جامعه؛ برقراری ارتباطات علمی، فرهنگی، سیاسی و اقتصادی در سطوح جهان و منطقه با سایر مراکز علمی و دانشگاه‌ها؛ به تولید و توسعه و نشر دانش و فرهنگ کشور بپردازد که برخی از مؤلفه‌های یادشده هم پیش‌نیاز توسعه علمی تلقی می‌شوند و هم در فرایند توسعه خود به کمال و غنا می‌رسند.

بی‌تردید اجرای برنامه‌های رشد و توسعه، به کارگیری نیروی آموزش‌دیده در سطوح عالی افراد متخصص و ماهر نیازمند است و این مهم را فرایند آموزش عالی تدارک می‌بیند. متأسفانه در جوامع در حال توسعه، از جمله کشورمان ایران، با اینکه در متن دین و فرهنگ، تعقل و آمیختگی و تعلق به علم از جمله خصال بزرگ انسانی شمرده می‌شود و بیش از ۱۵۰ سال از تأسیس دارالفنون و توسعه بیش از هزار درصدی دانشگاه‌ها و دانشجویان می‌گذرد،^(۱۷) جامعه همچنان از نبود فرهنگ علمی در ابعاد مختلف و روابط پیدا و پنهان رنج می‌برد، از کارایی و اثربخشی و توان تصمیم‌گیری در محیط و بازار کار برخوردار نیست و انگیزه، روحیه، خلاقیت، و به طور کلی توانایی تولید علم - این سرمایه اصلی توسعه همه‌جانبه - به شکل مناسب پدیدار نشده است. علت عمده آن را نه در عوامل مادی و اقتصادی، بلکه باید در عوامل فرهنگی و اجتماعی جست تا از این رهگذر با

شئون زندگی جامعه رخ نمی‌دهد؛ و ثانیاً تغییر فرهنگی زمانی رخ می‌دهد که این تغییرات از طریق عناصر تخصصی به عناصر عمومی منتقل شوند و راه و رسم زندگی مردم را عمیقاً و به صورت اساسی متحول سازند.^(۲۵) او معتقد است عوامل مختلفی از جمله تغییر علوم، فناوری، توسعه وسایل ارتباطی، تحول مذهب و عقاید دینی، تحول وضع خانواده‌ها، تحول مؤسسات تربیتی، تحول روابط مؤسسات اجتماعی، تحول وضع طبقه‌های اجتماعات، تحول میزان‌ها و استانداردها، مطلوب‌های اجتماعی و اخلاق در تغییرات فرهنگی تأثیر دارند.^(۲۶) احمدی علی‌آبادی نیز در تبیین از برنامه‌ریزی توسعه فرهنگی در ایران، این موارد را از دیگر دلیل‌های تغییر فرهنگ شمرده است: ارتباطات و توسعه (تغییر نحوه نگرستن مردم به موضوع‌ها، اعمال ارتباط آنها با یکدیگر و جهان اطرافشان)، ارتباطات و مشارکت (دموکراسی مشارکتی)، ارتباطات و اطلاع‌رسانی جهانی (پیشرفت شتابان فناوری‌های نظام اطلاع‌رسانی در جهان، تحقق عدالت، مردم‌سالاری، کاهش رنج‌ها، و کمک به حقوق انسانی و دینی در مردم) و روند توسعه وسایل ارتباط جمعی، پدیده‌های جهانی شدن افکار عمومی تحت تأثیر این وسایل، افزایش اوقات فراغت و کاهش فعالیت‌های جهانی، تعاون و همکاری.^(۲۷)

در سند چشم‌انداز بیست ساله نظام جمهوری اسلامی ایران موارد زیر متغیرهای فرهنگی لحاظ شده‌اند: رشد فرهنگ، رسیدن به توسعه‌ای مناسب با مقتضیات فرهنگی، رسیدن به موفقیت الهام‌بخش در جهان اسلام، رسیدن به توسعه‌ای متناسب با هویت اسلامی و انقلابی، آزادی‌های مشروع، ایجاد جامعه‌ای مفتخر به ایرانی بودن، مسئولیت‌پذیر، ایثارگر، مؤمن و رضایت‌مند، برخورداری از دانش پیشرفته، رفع فقر، فساد، تبعیض، مردم‌سالاری

نهادهای احساسی و ارزشی به واسطه آن کسب هویت کرده، به اعمال خود جهت دهیم و آنها را توجیه کنیم.^(۲۱) امروزه از فرهنگ به مثابه قدرت نرم یاد می‌شود. قدرت نرم به اشغال فضای ذهنی دیگران از طریق ایجاد جاذبه اطلاق می‌شود و زمانی یک جامعه به قدرت نرم دست می‌یابد که بتواند از اطلاعات (دانایی) برای پایان دادن به اختلافات استفاده کند. اهمیت قابل نشدن به فرهنگ در مقام توسعه اقتصادی باعث نوعی گسست اجتماعی درون ملت‌ها و گسستگی جهانی میان کشورهای ثروتمند و فقیر شده است.^(۲۲) فرهنگ یک جامعه عبارت است از افکار، عقاید، آرزوها، مهارت‌ها، ابزار و وسایل، امور مربوط به زیبایی، کارهای هنری، آداب و رسوم و مؤسسات که افراد این اجتماع در میان آنها تولد می‌یابند و رشد می‌کنند.^(۲۳)

فرهنگ را از جهتی به مادی و معنوی تقسیم کرده‌اند.^(۲۴) فرهنگ مادی را شامل همه وسایل و ابزارهای مادی و آنچه به دست بشر از ماده طبیعی ساخته می‌شود و شیوه‌ها و فرایندهای ساخت و ساز آنها می‌دانند و فرهنگ غیرمادی را شامل ارزش‌ها، ایده‌ها و باورها، اندیشه‌ها و فن‌ها، دین، آداب و سنت‌ها، علوم و فلسفه و ادبیات و هنر و همه فرآورده‌های ذهنی انسان.

عوامل و فرایند تغییر فرهنگ

فرق فرهنگ و جامعه این است که جامعه مرکب از افراد است در صورتی که فرهنگ شامل امور و اشیایی است که انسان به تدریج آموخته، خلق کرده و به آنها پی برده است. فرهنگ هر جامعه در حال تغییر است. یکی از نویسندگان معتقد است اولاً تغییرات اجتماعی در سایه تغییر در عناصر ابداعی به وجود می‌آیند، یعنی اگر راه‌های تازه، افکار جدید و وسایل نو پیدا نشود تغییر مهمی در

الف. رویکرد اصالت اقتصادی یا عملگرایی

این دیدگاه بر بنیادهای اقتصادی و مادی دانش تأکید دارد و علم به مثابه ابزاری برای توسعه مادی انسان روز به روز کامل تر می شود و ارزش آن در افزایش سود و منفعت بشری است. (۳۴) امروزه کاربرد وسیع دانش در اقتصاد مدرن، باعث تغییر نگرش از اقتصاد متکی به منابع، به اقتصاد دانش محور شده است. (۳۵)

ب. رویکرد اصالت فرهنگی یا اندیشه گرایی

در این دیدگاه بر اهمیت جهان بینی در ظهور علمی غرب تأکید می شود و بر اساس آن، علم قبل از به دست آوردن استقلال ذاتی، به عنوان یک نهاد اجتماعی، به منبع بیرونی مشروعیت نیاز داشت. در قرن هفدهم، ارزش های مذهبی و تا حدی تأکید بر ارزش نهادینه شده سودمندی این مشروعیت را فراهم ساخت. این دیدگاه، هنجارها و ارزش های فرهنگی را زمینه اجتماعی مؤثر بر علم می داند که زمینه مشروعیت و توسعه علمی را فراهم می کند. اندیشه گرایی بر استقلال و خلوص علم از طریق اخلاقیات علم به رفتارهای دانشمندان سمت و سو می دهد و معنا می بخشد.

موانع فرهنگی تولید علم

عطارزاده در مقاله ای با عنوان «ناکارآمدی دانشگاه در روند پیشرفت علمی و فرهنگی کشور» (۳۶) نشان داد: اولاً از موانع مهم تولید علم، کمی گرایی و تأکید بر افزایش عملکرد آماری است؛ ثانیاً ایجاد اعتقاد و پایبندی به این باور که در جامعه نوین دیگر واحد فرد نیست، بلکه ساختار است، گرچه هدف اعتلای زندگی مادی و معنوی افراد است.

دینی، رشد آموزشی، رشد پژوهشی، فرصت های برابر، برخورداری از وجدان کاری، و انضباط، روحیه تعاون، جنبش نرم افزاری و تولید علم و فناوری، جامعه نواندیش، و اخلاقی، و حفظ کرامت انسان. (۲۸)

در تحلیل دیگری فرمehینی فراهانی (۲۹) این سند را حاوی چهار محور هویت اسلامی - انقلابی، توسعه همه جانبه، احراز جایگاه نخست در منطقه، و الهام بخشی در جهان اسلام می داند که به نظر می رسد مهم ترین رکن آن، توسعه فرهنگ و روش زندگی از طریق تولید علم و جنبش نرم افزاری و دسترسی به فناوری مناسب در عرصه های مختلف است. اگر علم توسعه یافت و مؤثر واقع شد، دست یابی به عدالت اجتماعی، آزادی، مدیریت شایسته و شایسته سالاری، حقوق انسانی و اجتماعی به عنوان اهداف اصلی میسر می شوند؛ زیرا امروز و آینده کشور را علم رقم می زند. توسعه علمی در تعاطی تأسیس و رشد، آشکارا از فرهنگ عمومی و ساختار اجتماعی اثر می پذیرد و نهاد علمی که محصول توسعه علمی است، کار پنهان یک جنبش اجتماعی می باشد و بدون رشد عقلانیت و اجرای اصلاحات و تکیه بر خصوصیات فرهنگی تسهیل کننده ممکن نیست. (۳۰)

فرهنگ و تولید علم

فرهنگ از مهم ترین عناصر تولید علم است. (۳۱) فرهنگ تولیدکننده مستقیم علم نیست، بلکه به مثابه ظرفی است که در درون خود علم را می پروراند. حرکت علمی، حرکتی جمعی و گروهی و روشمند است که چهار عنصر جهان بینی، مذهب، فرهنگ و آزاداندیشی (۳۲) در تولید آن نقش اساسی دارند. در زمینه تولید علم دو رویکرد کلی وجود دارد: (۳۳)

پروتکل یا آداب و قواعد فعالیت‌های علمی - پژوهشی برای دانشمندان را از مهم‌ترین موانع فرهنگی توسعه علمی کشور بیان می‌کند.

معین (۱۳۸۴) در مقاله‌ای با عنوان «موانع توسعه علمی ایران» ضعف اعتماد به نفس و خودباوری، تقلید و خودباختگی و نیز حیرت‌زدگی در برابر تحولات جدید غرب، گسستگی از معارف و فرهنگ ملی و دینی، ناپیوستگی با فرهنگ و مفاخر ملی و اسلامی (استفاده ابزاری از دین و علم، دنیا‌گرایی و صوفی‌گری، جزم‌اندیشی و تعصب جاهلانه، خردستیزی و نمادگرایی به جای مفهوم‌گرایی علمی و دینی، و دولتی شدن مراکز علمی و دینی و...)، نبود فرهنگ علمی و فنی در جامعه و دسترسی نداشتن همگان به اطلاعات و منابع علمی، ضعف روحیه و اخلاق جست‌وجوگری، پرسشگری و طرح مسئله در فرهنگ عمومی (فقدان فرهنگ تحقیق)، ضعف در گفتمان علمی اعم از بحث، نقد، تبیین نگرش‌ها و یافته‌های علمی، نظری و فنی جامعه و بی‌توجهی به ارزش زمان و اغتنام فرصت‌ها در متن فرهنگ عمومی را عناصر توسعه‌نیافتگی فرهنگی طرح می‌کند.

همچنین ضعف علوم انسانی و اجتماعی از یک سو ناپیوستگی روند توسعه علوم را در پی دارد و از دگر سو باعث نارسایی مدیریت و قدرت تفکر مسئولان جامعه می‌شود. توسعه‌نیافتگی درون‌زای علمی و فرهنگی که آثار آن غلبه مصرف‌گرایی در علم و فناوری، دست‌بندی شدن جامعه به طبقه خواص و عوام، فقیر و غنی و... است و تأثیر آن بر حوزه اندیشه، شیوه کاسب و کار و سودجویی در آموزش و تحقیق و استفاده ابزاری از علم (مدرک‌گرایی)، نظام ارزش‌گذاری مبتنی بر ثروت، قدرت و روابط شخصی تا مرتبه علمی و خردورزی در جامعه،

محمدی، فضل‌الهی و ایزدی در مطالعه‌ای تحت عنوان «بررسی کمی میزان تولیدات علمی اعضای هیئت علمی دانشگاه آزاد اسلامی واحد قم و آسیب‌شناسی پژوهش از دیدگاه آنان» با انتخاب ۱۳۲ نفر به عنوان نمونه به این نتیجه رسیدند که به طور کلی ۵۴/۷٪ از استادان مسائل و مشکلات اقتصادی، ۵۲/۲٪ بی‌توجهی جامعه به تولیدات علمی، ۵۵/۳٪ در اولویت بودن برنامه‌های آموزشی در مقایسه با برنامه‌های پژوهشی از سوی مسئولان، ۵۲/۳٪ تدریس بیشتر از حد در مراکز آموزش عالی و ۴۷/۷٪ بالا بودن میزان تدریس موظفی استادان را از عوامل مؤثر در کاهش نداشتن به فعالیت‌های پژوهشی هستند. همتی در مقاله‌ای با عنوان «آسیب‌شناسی فرهنگی توسعه علمی» فقدان راهبرد کلان و سیاست واقع‌بینانه علمی، اهداف واضح و مبتنی بر تعامل علم و جامعه، ضعف مدیریت پژوهشی در جذب نیروهای علمی و بهره‌گیری بهینه از فعالیت‌های آنان، مهاجرت یا فرار نخبگان، کاربرد نامناسب منابع، امکانات و تسهیلات، تکوین نیافتن نظام ارزشی نهادینه‌شدن علم، حاکمیت سلیقه به جای قانون در مراکز پژوهشی، حاکمیت رسم‌عالم‌ستیزی و بر چسب‌زدن به متخصصان و تحصیل‌کردگان، قوانین بازدارنده استخدام، ارتقا و ارائه فرصت‌های مطالعاتی برای اعضای هیئت علمی، مدیریت غیرعلمی و اداره امور توسط افراد غیرفرهنگی و اغلب با روحیه نظامی و امنیتی، مشارکت نداشتن اعضای هیئت علمی در انتخاب مدیران، دسترسی نداشتن به نشریات و کسب تخصصی، قطع ارتباط با متخصصین خارج، تبدیل نظریه به یک ارزش عمومی و حمایت نکردن از اندیشه و نظریه‌پردازی، فقدان روحیه تحقیق محوری و خصلت‌های دانشمندانه در نظام آموزش عالی و فقدان

ضعف نهادهای ارتباطی علمی که سازوکار جذب و هضم تعریف شده علوم و فنون جدید را محقق نکرده است. از موانع دیگر، می توان به این موارد اشاره کرد: ضعف روحیه همکاری گروهی و جمعی، سرخوردگی نیروهای نخبه و نارضایتی و برون‌گرایی و برخورد منطقی با مسائل، بی‌توجهی به هوش و استعداد داوطلبان ورود به حوزه علم، پایین بودن آگاهی اعضای هیئت علمی از اطلاعات روزآمد در رشته تخصصی خود، ضعف وفاق فکری بین نخبگان درباره همه اصول و قواعد عمل جمعی، ضعف تعهد جمعی فعالان حوزه علم در برابر اصول و قواعد حاکم بر فعالیت‌های علمی و اخلاق نظری، نبودن امنیت جانی، مالی، اجتماعی و فکری، فقدان استقلال دانشگاهی به ویژه در حوزه علوم اجتماعی، دیوان‌سالاری و غلبه فرهنگ اداری بر فرهنگ علمی، تعدد مراکز تصمیم‌گیری، حاکمیت سیاسی و رعایت نشدن ضوابط دانشگاهی در انتخاب مدیران، ضعف اعتماد متقابل بین اعضای علمی و مدیران، ضعف مشارکت جمعی بین دانشگاهیان در اداره امور مربوط به خود، محدودیت فضای آزاد گفت‌وگوی خردمندانه و تبادل و نقد اندیشه، ضعف تعاملات علمی، دسترسی نداشتن به موقع به امکانات و لوازم آموزشی - پژوهشی، بهره نبردن بهینه از امکانات و منابع فکری و نیروی انسانی متخصص، استفاده نکردن از ظرفیت علمی دانشگاه‌ها و مراکز علمی به صورت صحیح، ضعف تخصص‌گرایی و نامشخص بودن جایگاه و نقش دانشگاه‌ها و نهادهای علمی کشور، ضعف پیوند دانشگاه با جامعه، ضعف تعاملات علمی دانشگاه‌ها و نهادهای علمی کشور با دانشگاه‌ها و نهادهای علمی خارج کشور، ضعف نظام اطلاع‌رسانی، فقدان برنامه‌ریزی صحیح در توسعه علمی، مبهم بودن اهداف و سیاست‌های بلندمدت.

کورکی (۱۳۸۵) در مقاله «بررسی عوامل تأثیرگذار بر عدم گرایش به نگارش مقالات علمی از دیدگاه اعضای هیئت علمی دانشگاه علوم پزشکی همدان» با مطالعه توصیفی مقطعی به صورت سرشماری و مراجعه به ۲۶۰ نفر و بهره‌گیری از پرسشنامه نشان داد مشغله زیادی در امور آموزشی، تدریس یا درمان، دشواری انجام پروژه‌های اصیل پژوهشی و گزارش نتایج به صورت مقاله، طولانی‌بودن زمان ارائه تا چاپ مقالات در مجلات علمی، نداشتن تسلط کافی به زبان انگلیسی به ترتیب با میانگین‌های ۳/۸۹، ۳/۸۸، ۳/۸۴، ۳/۸۳ بیشترین تأثیر را داشته‌اند.

رسول‌آبادی (۱۳۸۶) در یک مطالعه توصیفی - تحلیلی با عنوان «بررسی میزان آشنایی اعضای هیئت علمی و مدرسین دانشگاه علوم پزشکی کردستان با شیوه‌های جست‌وجوی اطلاعات در اینترنت و رابطه آن در فعالیت‌های علمی و پژوهشی آنان» با جمع‌آوری اطلاعات از ۱۴۰ نفر نشان داد که ۵۸/۷٪ از جامعه مورد مطالعه با راهبرد جست‌وجو آشنا نیستند و ۴۲/۲٪ اصلاً آن را به کار نمی‌برند، ۴۴٪ قادر به بازیابی اطلاعات مورد نیاز خود به میزان زیاد و خیلی زیاد هستند و ۷۷/۶٪ در مجلات خارجی و ۲۸٪ در مجلات داخلی مقاله‌ای ندارند. ۶۲٪ هیچ تألیف و ترجمه‌ای و ۳۴٪ اصلاً طرح تحقیقاتی نداشته‌اند.

در تحقیق دیگری عطارزاده (۱۳۸۷) با عنوان «دانشگاه، نوآوری؛ کارکرد و آسیب‌شناسی»، ارائه کارآمدی دانشگاه‌ها و مراکز آموزشی عالی کشور در پاسخ به انتظار بر حق تولید علم و نوآوری را در اطلاع به هنگام از واقعیت‌های موجود در عرضه تولید علم جهانی و

بر تعامل علم و جامعه، فرهنگ‌سازی برای ایجاد یک جامعه علمی به معنای واقعی کلمه و نهادینه شدن علم، سپردن مدیریت مراکز علمی به افراد فرهیخته و برخوردار از مشی علمی، رهیدن از قوانین سخت و بازدارنده اداری به ویژه برای استخدام نخبگان و ارتقای فرصت‌های مطالعاتی، استقرار حاکمیت قانون به جای سلاقی شخصی، بهینه‌سازی بهره‌گیری از منابع و امکانات، پرهیز از مدیریت سیاسی و جناحی در مراکز علمی به ترتیب از اولویت‌دارترین رهیافت‌ها هستند. همچنین بین اولویت‌بندی استادان علوم انسانی، علوم پایه و پزشکی همبستگی معنی‌داری مشاهده گردید.

روش تحقیق

روش پژوهش توصیفی از نوع پیمایشی بود و جامعه آماری پژوهش ۱۷۹ تن از اعضای هیئت علمی همکار در نیم‌سال دوم سال تحصیلی ۸۹-۸۸ دانشگاه آزاد اسلامی واحد قم بودند که از بین آنان ۶۰ نفر به شیوه تصادفی ساده به عنوان نمونه انتخاب شدند. برای جمع‌آوری اطلاعات، از پرسشنامه محقق ساخته، حاوی دو بخش مشخصات فردی اعضای هیئت علمی از جمله سطح تحصیلات کلاسیک، مرتبه علمی، سابقه عضویت در هیئت علمی، رشته تحصیلی، و تعداد آثار علمی منتشر شده مانند تعداد مقالات ISI علمی و پژوهشی و... و بخش دوم حاوی تعداد ۱۰ مؤلفه از نوع آرایش رتبه‌ای بود که از آزمودنی‌ها می‌خواست راه کارهای برون رفت از موانع فرهنگی را به ترتیب اهمیت و اولویت از یک تا ده شماره‌گذاری کنند. برای تجزیه و تحلیل اطلاعات از روش‌های آماری در حد توصیفی استفاده شده است.

آمادگی کافی به منظور همراهی با این دگرگونی‌ها می‌داند و معتقد است در حوزه نظام آموزش عالی که هدف تولید علم به عنوان برون داد نهایی از آن انتظار می‌رود ساماندهی و هماهنگی بین بخش‌های مختلف ضروری است. همچنین معتقد است کم‌رنگ شدن روحیه خلّاقیت، نوآوری و پژوهش از جمله آفت‌هایی است که مقام رفیع نهادهای مولد دانش از جمله دانشگاه‌ها را تا سرحد دیگر نهادهای تکرارکننده الفبای علم پایین می‌آورد.

فضل‌الهی (۱۳۸۸) در مقاله «شناسایی و طبقه‌بندی موانع تولید علم از دیدگاه اعضای هیئت علمی دانشگاه‌های استان قم» به صورت توصیفی و با سنجش دیدگاه ۲۲۶ نفر نمونه آماری به صورت تصادفی طبقه‌ای و پرسشنامه محقق ساخته نشان داد مهم‌ترین موانع تولید علم به ترتیب موانع انگیزشی، اقتصادی، اداری و بروکراتیک، خدمات علمی و پژوهشی و فردی مربوط به توانمندی‌های فنی و تخصصی هستند و تأکید به آموزش محوری به جای پژوهش محوری، بی‌توجهی به ایجاد انگیزه در استادان برای مشارکت فعال در همایش‌های علمی پژوهشی، نامناسب بودن فرایند تشویق اعضای هیئت علمی به انجام دادن تحقیقات، و محدودیت مراکز انتشار مقالات علمی از مهم‌ترین موانع تولید علم محسوب می‌شوند.

فضل‌الهی (۱۳۹۰) در مقاله دیگری با عنوان «توسعه تولیدات علمی دانشگاه‌ها و اولویت‌بندی رهیافت‌های فرهنگی و مدیریتی؛ بررسی دیدگاه اعضای هیئت علمی دانشگاه آزاد اسلامی واحد قم» نشان داد: تدوین راهبرد و نقشه کلان علمی، رسیدگی به وضعیت معیشتی اندیشوران، اعمال سیاست‌های واقع‌بینانه و مشخص برای فعالیت‌های پژوهشی، ترسیم اهداف روشن و مبتنی

تجزیه و تحلیل اطلاعات

جدول شماره ۱: مشخصات نمونه مورد مطالعه

ردیف	متغیر	گروه‌ها	فراوانی	درصد	فراوانی تراکمی	میانگین
۱	رشته تحصیلی	علوم انسانی	۳۶	۶۳/۴۱	۳۶	-
		علوم پایه	۶	۱۰/۶۳	۳۲	-
		پزشکی	۲	۴/۸۷	۳۴	-
۲	تحصیلات کلاسیک و دانشگاهی	فنی و مهندسی	۴	۹/۷۵	۳۸	-
		دکتری	۹	۲۲	۹	-
		دانشجوی دکتری	۸	۲۰	۱۷	-
۳	مرتبه علمی	کارشناسی ارشد	۲۰	۴۹	۳۷	-
		مربی	۲۲	۵۴	۲۲	-
		استادیار	۵	۱۲	۲۷	-
۴	سابقه هیات علمی	دانشیار	۲	۵	۲۹	-
		استاد	۱	۲	۳۰	-
		۵-۰ سال	۷	۱۷	۷	-
		۱۰-۵ سال	۷	۱۷	۱۴	-
		۱۵-۱۰ سال	۱۴	۳۴	۲۸	-
۵	آثار علمی منتشر شده	۲۰-۱۵ سال	۳	۷	۳۱	-
		۱۰-۵ سال و بالاتر	۱	۲	۳۲	-
		ISI	۷	۲	۷	۰/۱۷۵
		علمی-پژوهشی	۵۱	۱۴	۵۸	۱/۲۷۵
		علمی-ترویجی	۹۶	۲۷	۱۵۴	۲/۴
۶	جمع	تألیف کتاب	۶۱	۱۷	۲۱۵	۱/۵۲
		ترجمه کتاب	۱۲	۳	۲۲۷	۰/۳
		طرح پژوهش	۷۰	۱۹	۲۹۷	۱/۷۵
		راهنمایی پایان‌نامه دکتری	۳	۱	۳۰۰	۰/۰۷۵
		راهنمایی پایان‌نامه کارشناسی ارشد	۵۶	۱۶	۳۵۶	۱/۴
			۳۵۶	۱۰۰		

۲۰-۱۵ سال، و یک نفر (۲٪) بیشتر از ۲۰ سال بود و متوسط سابقه هیئت علمی آنان ۱۰ سال. اطلاعات گویای این است که آثار علمی منتشر شده در مجموع توسط ۴۱ نفر آزمون‌دنی، ۳۵۶ مورد بود که ۲٪ آن (۷ مورد) مقاله ISI، ۱۴٪ (۵۱) مورد مقاله علمی-پژوهشی، ۲۷٪ (۹۶) مورد مقاله علمی-ترویجی، ۱۷٪ (۶۱) مورد تألیف کتاب، ۳٪ (۱۲) مورد ترجمه کتاب، ۱۹٪ (۷۰) مورد طرح پژوهشی با مراکز علمی، ۱٪ (۳) مورد راهنمایی پایان‌نامه دکتری و ۱۶٪ (۵۶) مورد راهنمایی پایان‌نامه کارشناسی ارشد را در طول متوسط دوره عضویت در هیئت علمی (۱۰ سال) به انجام رسانده‌اند. میانگین تولیدات در ده سال به ازای هر نفر عضو هیئت علمی ۱۷۵٪ مقاله ISI، ۱/۲۷۵ مورد مقاله علمی-پژوهشی، ۲/۴ مورد مقاله علمی-ترویجی، ۱/۵ مورد تألیف کتاب، ۳٪ مورد ترجمه کتاب، ۱/۷۵ مورد طرح تحقیقاتی و ۱/۴ مورد راهنمایی پایان‌نامه کارشناسی ارشد بوده است. بنابراین، بیشترین تولیدات، مربوط به مقالات علمی-ترویجی بوده است که اغلب برای به دست آوردن امتیاز ارتقای پایه علمی سالانه انجام می‌شود و برابری نسبی تعداد مقالات ISI با استادان با مرتبه استادیاری و دانشیاری و استادی می‌تواند بیانگر همین موضوع در تبدیل وضعیت علمی تلقی شود. البته بالا بودن نسبت مربیان به استادیاری، دانشیاری و استادی در دانشگاه آزاد، اجرا نکردن دستورالعمل ارتقا و تبدیل وضعیت مربیان به استادیاری در دانشگاه آزاد اسلامی و فقدان حمایت‌های مادی و معنوی برای ایجاد تسهیلات مناسب برای ادامه تحصیلات تکمیلی مربیان، به ویژه ادامه تحصیل بدون آزمون (کنکور) آنان در دانشگاه‌های دولتی و آزاد اسلامی است. آنان متأسفانه با رویکردهای محدود و نگرش بسته بعضی از مدیران دانشگاه آزاد، امکان استفاده از تسهیلات ادامه تحصیل بدون کنکور

مطابق داده‌های جدول شماره یک از نظر رشته تحصیلی از مجموع ۴۱ نفر آزمون‌دنی، ۲۶ نفر (۶۳٪) علوم انسانی، ۶ نفر (۱۵٪) علوم پایه، ۲ نفر (۵٪) علوم پزشکی و ۴ نفر (۱۰٪) فنی و مهندسی بودند و از جهت سطح تحصیلات دانشگاهی، ۹ نفر (۲۲٪) دارای مدرک دکتری تخصصی، ۸ نفر (۲۰٪) دانشجوی دکتری و ۲۰ نفر (۴۹٪) کارشناسی ارشد بودند. همچنین مرتبه علمی ۲۲ نفر (۵۴٪) مربی، ۵ نفر (۱۲٪) استادیار، ۲ نفر (۵٪) دانشیار و فقط یک نفر (۲٪) استاد بود. سابقه عضویت در هیئت علمی ۷ نفر (۱۷٪) بین ۰-۵ سال، ۷ نفر (۱۷٪) بین ۵-۱۰ سال، ۱۴ نفر (۳۴٪) بین ۱۰-۱۵ سال، ۳ نفر (۷٪) بین

۱۸۱ و میانگین ۴/۵۲۵ در رتبه سوم ایستاده است. همچنین حفظ و ارتقای استقلال، آزادگی علمی و ثبات شغلی استادان، محققان و دانشگاهیان با ۱۸۴ و میانگین ۴/۶، تغییرالگوهای اداره دانشگاه‌ها از دیوان‌سالاری سیاسی به مشارکتی و تلفیقی با ۱۹۰ و ۴/۷۵، درونی شدن نیاز به علم و تبدیل نظر و فکر به یک ارزش عمومی در دانشگاه‌ها با ۱۹۵ و ۴/۸۷، ایجاد رقابت بین ایده‌ها در اعاده هویت و غیرت ایرانی دانشمندان با ۱۹۸ و ۴/۹۵، ایجاد فضای باز برای شنیدن، قردانی و جایزه دادن به نوآوران و سخنانشان با ۲۰۳ و ۵/۰۷۵، تقویت متون آموزشی و یادگیری و اصلاح شیوه‌های آموزشی در دبیرستان‌ها و سنین پایین با ۲۰۴ و ۱/۵ و تقویت و توسعه ارتباطات علمی محققان داخلی و مراکز تحقیقاتی خارجی با ۲۰۷ و ۵/۱۷۵ به ترتیب در رتبه ۴ تا ۱۰ قرار گرفته‌اند.

نتیجه‌گیری

۱. موانع فرهنگی از مهم‌ترین موانع مؤثر در تولید و توسعه علم در دانشگاه‌ها و مراکز آموزش عالی است و مناسب‌ترین و اولویت‌دارترین راهکار برون رفت از آن، برنامه‌ریزی جامع، راهبردی و بلندمدت برای فرهنگ‌سازی و ایجاد بسترهای مناسب در دانشگاه‌ها برای تولید دانش تخصصی و فنی است تا روند متداول در دانشگاه‌ها متناسب با انتظارات در ایجاد خلاقیت و آفرینندگی معطوف به شکوفایی و توسعه قرار گیرند و با افزایش سطح مشارکت افراد، به ویژه اعضای هیئت علمی و دانشجویان در فعالیت‌های گروهی، شکل‌گیری نگرش مثبت به فعالیت‌های گروهی و ارتقای سطح آموخته‌های آنان درباره روش‌های کار گروهی، ایجاد آموزش‌های منظم و بومی شده با توجه به آموزه‌های فرهنگی ایرانی -

دولتی را نیز از دست می‌دهند. از نمونه‌های دیگر این مسئله، پایین بودن تعداد مقالات علمی - پژوهشی است که به نظر می‌رسد ضرورت ذکر نام دانشگاه آزاد اسلامی هنوز به عنوان محدودیتی برای پذیرش مقالات اعضای هیئت علمی دانشگاه آزاد اسلامی نزد نشریات مذکور باقی مانده است.

جدول شماره ۲: رتبه‌بندی راه کارهای برون رفت از موانع فرهنگی

ردیف	راهکارهای فرهنگی تولید علم	مجموع رتبه‌ها	میانگین	رتبه نهایی
۱	تشکیل کرسی‌های نظریه پردازی و نقد و مناظره علمی و حمایت علمی از اجتهاد علمی	۱۷۶	۴/۴	۲
۲	تغییر رویکردهای مدیریتی در اعمال سیاست مقدم شمردن انسان‌ها بر راهبردها در مدیریت	۱۸۱	۴/۵۲۵	۳
۳	حفظ و ارتقای استقلال، آزادگی علمی و ثبات شغلی استادان، محققان و دانشگاهیان	۱۸۴	۴/۶	۴
۴	برنامه ریزی جامع برای فرهنگ سازی و ایجاد بستر های مناسب تولید علم (تبدیل علم پژوهی به فرهنگ عمومی)	۱۶۵	۴/۱۲۵	۱
۵	ایجاد رقابت بین ایده‌ها در اعاده هویت و غیرت ایرانی دانشمندان	۱۹۸	۴/۹۵	۷
۶	تغییرالگوهای اداره دانشگاه‌ها از دیوان‌سالاری سیاسی به مشارکتی و تلفیقی	۱۹۰	۴/۷۵	۵
۷	ایجاد فضای باز برای شنیدن، قردانی و جایزه دادن به نوآوران و سخنانشان	۲۰۳	۵/۰۷۵	۸
۸	تقویت و توسعه ارتباطات علمی محققین داخلی و مراکز تحقیقاتی خارج	۲۰۷	۵/۱۷۵	۱۰
۹	درونی شدن نیاز به علم و تبدیل نظریه و فکر به یک ارزش عمومی در دانشگاه‌ها	۱۹۵	۴/۸۷	۶
۱۰	تقویت متون آموزشی و یادگیری و اصلاح شیوه های آموزشی در دبیرستانها و سنین پایین	۲۰۴	۵/۱	۹

داده‌های جدول، رتبه‌بندی ده راهبرد تعیین شده، توسط چهل تن از اعضای هیئت علمی دانشگاه آزاد اسلامی قم را نشان می‌دهد. این جدول گویای آن است که برنامه‌ریزی جامع برای فرهنگ‌سازی و ایجاد بسترهای مناسب تولید علم (تبدیل علم پژوهی به فرهنگ عمومی) با مجموع ۱۶۵ رتبه و میانگین ۴/۱۲۵ رتبه اول، یعنی مناسب‌ترین راهکار شناخته شده است و پس از آن، تشکیل کرسی‌های نظریه‌پردازی و نقد و مناظره علمی و حمایت از اجتهاد علمی با کسب ۱۷۶ رتبه و میانگین ۴/۴ در جایگاه دوم است. تغییر رویکردهای مدیریتی با کسب

مدیریتی دانشگاه‌ها به منابع، به ویژه دولتی و در نتیجه عملکرد جناحی و حزبی و موقتی و فراهم ساختن استقلال به مفهوم متعارف، ضرورتی اجتناب‌ناپذیر است.

۵. ایجاد تحول در الگوهای اداره دانشگاه‌ها برای برون‌رفت از موانع فرهنگی یک ضرورت و نیاز اساسی است؛ به ویژه در دانشگاه‌ها و مراکزی که دیوان‌سالاری و بروکراسی اداری و اعمال شدید قوانین خشک و بی‌روح و دست و پاگیر و ساختار و سلسله مراتب غیر تخصصی و مبتنی بر تمرکز حاکم است و مشارکت و فکر جمعی در آن نقش ایفا نمی‌کند و هنوز تفرد، حاکمیت فردی و مدیریت به سبک وظیفه‌مداری حرف آخر را در آن می‌زند. این در صورتی است که مدیریت در دانشگاه‌ها و مراکز علمی نرم و فرمان‌ناپذیر است و ضرورت دارد که خرد جمعی و روحیه مشارکتی حاکمیت داشته باشد و مهارت محوری و تخصص در صدر عناصر تصمیم‌گیری و تصمیم‌سازی قرار گیرد.

۶. برای تولید علم، احساس نیاز و تبدیل آن به یک باور و اعتقاد قلبی و درونی شده در بین اهل اندیشه، نظریه و فکر، به ویژه استادان و اعضای هیئت علمی دانشگاه‌ها به عنوان یک وظیفه انسانی، اداری، اجتماعی، ملی، مذهبی و اعتقادی در تمام ارکان آن از اولویت‌های مهم مورد نظر اعضای هیئت علمی دانشگاه آزاد اسلامی برای تولید علم است.

۷. اعاده هویت و غیرت ایرانی و اسلامی اندیشوران از طریق ایجاد رقابت سالم و ایده‌پردازی، به ویژه در دانشمندان ایرانی خارج از کشور و متوجه کردن نقش آنان در ارتقای جایگاه ملی و بین‌المللی و شکل دادن روحیه افتخار و عزت علمی، از اولویت‌های مورد نظر اعضای هیئت علمی برای برون‌رفت از موانع فرهنگی است. در مقابل، جهانی شدن و پدیده‌های اقتصادی و انگیزه‌های پر

اسلامی، ارتقای سطح دانش و فرهنگ عمومی جامعه در مورد جایگاه علم و اهمیت عالم و... زمینه واقعی برون‌رفت از موانع فرهنگی است.

۲. توسعه کرسی‌های نظریه‌پردازی و نقد و مناظره علمی و حمایت از اجتهاد علمی اندیشوران حوزوی و دانشگاهی علاوه بر توسعه روحیه همکاری و فعالیت گروهی و مشارکتی، سبب افزایش خلاقیت‌ها، رقابت سالم، رشد انگیزش، و پیشرفت مستمر در فرایند توسعه علمی می‌شود؛ چنان‌که اعتماد به نفس و خودباوری آنان را برای تبیین دیدگاه‌های نو و متناسب با نیاز جامعه و تلاش در پیش‌قراولی علمی در مجامع جهانی را فراهم می‌آورد؛ امری که در جنبش نرم‌افزاری مطرح شده از طرف مسئولان نظام نیز بر آن تأکید می‌شود.

۳. مقدم شمرده شدن انسان‌ها به ویژه نیروی انسانی ماهر و متخصص و مولد در عرصه علم، خاصه اعضای هیئت علمی دانشگاه‌ها و مراکز آموزش و پژوهش، به عنوان مهم‌ترین رکن توسعه فرهنگ و مقدمه توسعه همه‌جانبه، و ارتقای جایگاه و منزلت اجتماعی آنان در مقایسه با راهبردهای ساختاری و مدیریتی سومین راهکار برای برون‌رفت از این موانع شناخته شد که مستلزم تغییر رویکرد مدیران آموزش عالی از طریق آموزش بلندمدت، ایجاد کارگاه‌های مختلف و برگزاری نشست‌ها و همایش‌های علمی و تدوین و به کارگیری معیارهای شایستگی برای انتخاب صحیح آنان است.

۴. استقلال سیاسی، اقتصادی و مدیریتی و آزادگی علمی و ثبات شغلی حاصل از آن، استادان و محققان دانشگاه‌ها را در اهتمام ویژه برای تولید و توسعه علمی جامعه برمی‌تابد. به نظر می‌رسد تجدیدنظر در نظام‌نامه‌های پژوهشی و مدیریتی دانشگاه‌ها با رویکردی به مطلوب‌های دموکراتیک و کاهش دادن وابستگی‌های

پی‌نوشت‌ها

- ۱- جواد منصوری، فرهنگ و استقلال، ص ۱.
- ۲- محمدباقر بابایی، مبنای استراتژی فرهنگی از دیدگاه امام علی علیه السلام، ص ۸.
- ۳- ایرج سلطانی، مهارت‌ها و شایستگی‌های مورد نیاز مدیران فرهنگی برای توسعه و تحول، ج ۱، ص ۲۸۵.
- ۴- چنگیز پهلوانی، فرهنگ‌شناسی، ص ۱۲.
5. B. Sampt and D. Mowery, *University in National Innovation System*, p. 209.
- ۶- سیف‌اله فضل‌الهی، «شناسایی و طبقه‌بندی موانع تولید علم از دیدگاه اعضای هیئت علمی دانشگاه‌های قم»، معرفت، ش ۱۴۱، ص ۱۲۸.
- ۷- همان، ص ۱۲۹.
- ۸- عباس عبدی و محسن گودرزی، تحولات فرهنگی در ایران، ص ۲۰۸.
- ۹- مجتبی عطارزاده، دانشگاه و نوآوری؛ کارکرد و آسیب‌شناسی»، دانشگاه اسلامی، ش ۴، ص ۳۷.
- ۱۰- باتولو فریره، کنش فرهنگی برای آزادی، ترجمه احمد بیرشک، ص ۱۵.
- ۱۱- فدریکو مایور و آگوستو فوری، علم و قدرت، ترجمه پریدوخت وحیدی، ص ۱۳۷.
- ۱۲- مجتبی عطارزاده، دانشگاه و نوآوری؛ کارکرد و آسیب‌شناسی»، دانشگاه اسلامی، ش ۴، ص ۳۷.
- ۱۳- مهدی محمدی و سیف‌اله فضل‌الهی و مهتری ایزدی یگانه، بررسی میزان تولیدات علمی اعضاء هیأت علمی دانشگاه آزاد اسلامی واحد قم و آسیب‌شناسی آن، ص ۱۱.
- ۱۴- نادرقلی قورچیان و همکاران، دایرةالمعارف آموزش عالی، ص ۴۱۵.
- ۱۵- همان، ص ۲۵۱.
- ۱۶- همان، ص ۱۷۷.
- ۱۷- احمد رجب‌زاده، گزارش مصرف کالاهای فرهنگی، ص ۴۸.
- ۱۸- مهدی بخشی و بهنام بهاری، «دیدگاه‌های مختلف درباره جهانی شدن فرهنگی و چالش‌های فرهنگ دانشجویی»، دانشگاه اسلامی، ش ۴، ص ۹۲.
- ۱۹- کیت نش، جامعه‌شناسی سیاسی معاصر: جهانی شدن، سیاست و قدرت، ترجمه محمدتقی دلفروز، ص ۵۰.
- ۲۰- رضا دژاکام، نقش دانشجویان در تحولات سیاسی و اجتماعی از دیدگاه امام خمینی علیه السلام»، دانشگاه اسلامی، ش ۱۵، ص ۵۱.
- ۲۱- احمد گل محمدی، جهانی شدن فرهنگ و هویت، ص ۱۲۴.
- ۲۲- برهان غلیون، «مدرن‌گرایی فرهنگی و بحران هویت»، ترجمه مهدی خلجی، نقد و نظر، ش ۱۵، ص ۲۹۳.
- ۲۳- علی شریعتمداری، جامعه و تعلیم و تربیت، ص ۲۹.
- ۲۴- داریوش آشوری، تعریف‌ها و مفهوم فرهنگ، ص ۱۱۴.

زرق و برق مادی، احساس امکان دسترسی به زندگی بهتر در دنیای عامل مهاجرت نخبگان دانشگاهی و علمی است. ۸. بسترسازی همه‌جانبه مسئولان و برنامه‌ریزان، برای گوش دادن به دغدغه‌ها، استقبال از خلاقیت‌ها، امتیازات و حمایت به موقع مادی و معنوی و قدردانی از نوآوری‌های و طرح‌های آنان و مشارکت دادن دانشمندان نوآور در اجرای طرح‌های توسعه‌ای و مدیریت فعالیت‌های علمی و تولیدی و ایجاد تصور مثبت در اندیشمندان در وجود گوش شنوا، غیرسیاسی و علاقه‌مند برای تبدیل اعتبارات به برنامه‌های عملی و سودمند می‌تواند در تولید علم و برون رفت از دشواری‌های فرهنگی مفید باشد. یقیناً در این زمینه هماهنگی اجرایی، و عملیاتی در ارکان مختلف نظام سیاسی و مدیریتی جامعه و به ویژه فعالیت‌های تبلیغاتی و رسانه‌ای در مطبوعات و رسانه ملی ضروری خواهد بود.

۹. بازنگری، طراحی و تدوین متون آموزشی برای آموزشگاه‌ها و محیط‌های آموزشی قبل از ورود به دانشگاه در جهت سوق دادن افراد به کارهای جمعی، ایجاد روحیه تفکر و پژوهش محوری، و اصلاح شیوه‌های موجود انفعالی به روش‌های آموزش فعال با ضریب درگیری بالای فراگیران و شناسایی و توسعه مستعدترین شرایط، در گذر از موانع تولید علم راهگشا خواهد بود.
۱۰. توسعه ارتباطات و همکاری‌های علمی ملی و بین‌المللی بین افراد و مراکز و جلوگیری از انزوای اطلاع‌رسانی و دسترسی محققان به منابع موجود تسهیل شده داخلی و خارجی یقیناً می‌تواند در تسریع، تسهیل و تعمیق علم ثمربخش باشد.

- ۲۵- علی شریعتمداری، همان، ص ۳۷.
- ۲۶- همان، ص ۳۸-۴۳.
- ۲۷- کاوه احمدی علی‌آبادی، *تبیینی از برنامه‌ریزی توسعه فرهنگی در ایران*، ج ۱، ص ۱۳۲-۱۵۷.
- ۲۸- محسن فرمهبینی فراهانی، *بررسی راهبردها و راه‌کارهای تحقق اهداف فرهنگی در سند چشم‌انداز بیست ساله جمهوری اسلامی*، ص ۲۴۳-۲۴۴.
- ۲۹- همان، ص ۲۴۰.
- ۳۰- مصطفی معین، *موانع توسعه علمی ایران*، مجموعه مقالات درآمدی بر آزاداندیشی و نظریه‌پردازی در علوم دینی، دفتر اول، ص ۲۴۸.
- ۳۱- مهدی ابراهیمی، *زمینه‌ها و عناصر اساسی تولید علم*، مجموعه مقالات درآمدی بر آزاداندیشی و نظریه‌پردازی در علوم دینی، دفتر اول، ص ۵۷.
- ۳۲- همان، ص ۵۸.
33. M. Schler, *Problems of a Society of knowledge*, tr. M. S. Frings, p. 100.
- ۳۴- مجتبی عطازاده، «دانشگاه و نوآوری: کارکرد و آسیب‌شناسی»، *دانشگاه اسلامی*، ش ۴، ص ۲۸.
35. K. Smith, *What is The knowledge Economy?*, p. 43.
- ۳۶- مجتبی عطازاده، «ناکارآمدی دانشگاه در روند پیشرفت علمی و فرهنگی کشور»، *دانشگاه اسلامی*، ش ۲۵ و ۲۶، ص ۴۷-۸۰.
- منابع**
- آشوری، داریوش، *تعریف‌ها و مفهوم فرهنگ*، تهران، آگاه، ۱۳۸۱.
- ابراهیمی، مهدی، *زمینه‌ها و عناصر اساس تولید علم*، مجموعه مقالات درآمدی بر آزاداندیشی و نظریه‌پردازی در علوم دینی، قم، حوزه علمیه، ۱۳۸۴.
- احمدی علی‌آبادی، کاوه، *تبیینی از برنامه‌ریزی توسعه فرهنگی در ایران*، همایش ملی توسعه و تحول از فرهنگ و هنر، ۱۳۸۸.
- بخشی، احمد و بهنام بهاری، «دیدگاه‌های مختلف درباره جهانی شدن فرهنگی و چالش‌های فرهنگ دانشجویی»، *دانشگاه اسلامی*، سال دوازدهم، ش ۴، ص ۸۳-۱۰۰.
- پهلوان، چنگیز، *فرهنگ‌شناسی*، تهران، قطره، ۱۳۷۸.
- دژاکام، رضا، «نقش دانشجویان در تحولات سیاسی و اجتماعی از دیدگاه امام خمینی (ره)»، *دانشگاه اسلامی*، سال ششم، ش ۱۵، ص ۴۹-۷۰.
- رجب‌زاده، احمد، *گزارش مصرف کالاهای فرهنگی*، تهران، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۳۸۰.
- شریعتمداری، علی، *جامعه و تعلیم و تربیت*، تهران، آگاه، ۱۳۷۰.
- عبدی، عباس و محسن گودرزی، *تحولات فرهنگی در ایران*، تهران، سروش، ۱۳۷۸.
- عطازاده، مجتبی، «دانشگاه و نوآوری: کارکرد و آسیب‌شناسی»، *دانشگاه اسلامی*، سال دوازدهم، ش ۴، ص ۲۳-۴۲.
- ____، «ناکارآمدی دانشگاه در روند پیشرفت علمی و فرهنگی کشور»، *دانشگاه اسلامی*، سال نهم، ش ۲۵ و ۲۶، ص ۴۷-۸۰.
- غلیون، برهان، «مدرن‌گرایی فرهنگی و بحران هویت»، ترجمه مهدی خلجی، *نقد و نظر*، ش ۱۵، ۱۳۷۷، ص ۳۷۱-۳۹۷.
- فرمهبینی فراهانی، محسن، *بررسی راهبردها و راه‌کارهای تحقق اهداف فرهنگی در سند چشم‌انداز بیست ساله جمهوری اسلامی*، همایش ملی توسعه و تحول در فرهنگ و هنر، ۱۳۸۸.
- فریره، پاتولو، *کنش فرهنگی برای آزادی*، ترجمه احمد بیرشک، تهران، خوارزمی، ۱۳۶۴.
- فضل‌الهی، سیف‌اله، «توسعه تولیدات علمی دانشگاه‌ها و اولویت‌بندی رهیافت‌های فرهنگی و مدیریتی: بررسی دیدگاه اعضای هیئت علمی دانشگاه آزاد اسلامی قم»، *معرفت*، ش ۱۶۲، خرداد ۱۳۹۰، ص ۱۰۷-۱۲۴.
- ____، «شناسایی و طبقه‌بندی موانع تولید علم از دیدگاه اعضای هیئت علمی دانشگاه‌های قم»، *معرفت*، ش ۱۴۱، شهریور ۱۳۸۸، ص ۱۲۷-۱۴۲.
- قورچیان، نادرقلی و همکاران، *دایرة‌المعارف آموزش عالی*، تهران، دانشنامه بزرگ فارسی، ۱۳۸۳.
- کورکی، مسعود، «بررسی عوامل مؤثر بر عدم گرایش به نگارش مقالات علمی از دیدگاه اعضای هیئت علمی دانشگاه علوم پزشکی همدان»، *مجله علمی دانشگاه علوم پزشکی و خدمات بهداشتی-درمانی همدان*، ش ۴۶، ۱۳۸۵، ص ۵۹-۶۳.
- گل‌محمدی، احمد، *جهانی شدن، فرهنگ و هویت*، تهران، نی، ۱۳۸۱.
- مایور، فدریکو و آگوستو فوری، *علم و قدرت*، ترجمه پریدخت وحیدی، تهران، برنامه و بودجه، ۱۳۷۷.
- محمدی، مهدی و سیف‌اله فضل‌الهی، *مهری ایزدی یگانه، بررسی میزان تولیدات علمی اعضای هیئت علمی دانشگاه آزاد اسلامی واحد قم و آسیب‌شناسی آن*، قم، معاونت پژوهشی دانشگاه آزاد اسلامی، ۱۳۸۴.
- معین، مصطفی، *موانع توسعه علمی ایران*، مجموعه مقالات درآمدی بر آزاداندیشی و نظریه‌پردازی در علوم دینی، قم، حوزه علمیه، ۱۳۸۴.
- منصوری، جواد، *فرهنگ و استقلال*، چ سوم، تهران، وزارت امور خارجه، ۱۳۷۳.
- نش، کیت، *جامعه‌شناسی سیاسی معاصر: جهانی شدن، سیاست و قدرت*، ترجمه محمدتقی دلفروز، چ سوم، تهران، کویر، ۱۳۸۴.